

وداع با یارانه‌ها؛ سلام بر اقتصاد رقابتی

مصرف بهینه انرژی، موفقیت خود را تضمین کنند و البته ناگفته پیداست که نه می‌توان و نه باید انتظار داشت که نسخه واحدی برای همه بنگاه‌های اقتصادی جهت گذر از اقتصاد با مصرف انرژی بالا و کم‌اثر به سمت اقتصاد با مصرف انرژی بهینه و مؤثر ارائه کرد. شاید به نظر برسد افزایش بهای خدمات و کالاها با هدف جبران هزینه‌های ناشی از آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی و به تبع آن، افزایش هزینه تمام‌شده کالا و خدمات دیگر، ساده‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای بقا در زمان اجرای قانون یادشده خواهد بود و بر مبنای رویکرد قیمتی - مقداری می‌توان بقای خود را در اقتصاد و بازار تقویت و تضمین کرد، اما روشن است که اتکای صرف و غیرمنطقی به رویکرد یادشده، شکننده و مخاطره‌آمیز خواهد بود. افزون بر سازوکارهای دولتی مبنی بر کنترل قیمت‌ها و سیاست‌های حمایت از مصرف‌کننده، این واقعیت را نباید دست کم گرفت که همه رقبای اقتصادی و تجاری در هر گروه کالایی و خدماتی این گونه نمی‌اندیشند و مدیران موفق و آینده‌نگر، تلاش خواهند کرد با بهبود سازوکارهای تولیدی و خدماتی خود، به جای دل خوش کردن به سیاست‌های قیمتی، سیاست‌ها و برنامه‌های غیرقیمتی را جایگزین کنند تا با منطقی کردن هزینه تمام‌شده قیمت کالا و خدمات خویش، سهم مطلوبی از بازار را در اختیار بگیرند. از این رو، طبیعی است مدیرانی که تنها برای کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی می‌کنند، نخواهند توانست با دل بستن به افزایش قیمت کالا و خدمات در بازار جایی برای خود دست و پا کنند.

باز هم آزمون دیگری برای همه ایرانیان؛ این بار آزمون وداع با یارانه‌ها و سلام به اقتصاد شفاف و رقابتی؛ آزمونی دشوار که نتیجه نهایی آن، البته شیرین خواهد بود. زیرا با اصلاح پرداخت یارانه‌ها و توزیع هدفمند آن، فصل تازه‌ای در اقتصاد ایران رقم خواهد خورد و رمز بقا در بازار، رقابت شفاف، مدیریت خلاقانه و کارآفرین و بهره‌وری بالا خواهد بود و تردیدی وجود ندارد که بنگاه‌های اقتصادی پرهزینه و دارای بهره‌وری پایین و همچنین مصرف بالای انرژی، چاره‌ای جز وداع با بازار نخواهند داشت. واقعیت این است که دولت با آگاهی از دشواری‌های پیش روی اجرای قانون سرنوشت‌ساز هدفمندی یارانه‌ها، گام در راهی ناهموار و دشوار نهاده است تا بلکه اقتصاد ایران را از پستی و بلندی‌های بسیار به مسیری هموار و مطمئن سوق دهد و در این راه، همراهی مردم و فعالان اقتصادی ضرورتی است انکارناپذیر. روی سخن این نوشتار البته فعالان اقتصادی، مدیران بنگاه‌های تولیدی، خدماتی و بازرگانی و نیروی انسانی شاغل در بخش‌های مختلف اقتصادی است که چگونه مسیر تولید و تجارت خود را هموار سازند و از ناهمواری‌ها و نابسامانی‌های احتمالی، فرصت‌سازی کنند و جایگاه خود را در اقتصاد و بازار تقویت کنند.

بی‌گمان با اجرا شدن تدریجی قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، اقتصاد ایران از رویکرد مبتنی بر عرضه انرژی به سمت رویکرد مدیریت تقاضای انرژی تغییر مسیر خواهد داد و مدیران موفق می‌توانند با مدیریت تقاضای انرژی و عرضه کالا و خدمات با



سنگ بنای موفقیت در رقابت است، نه رانت

مسئله مهم‌تر اینکه با هدفمند کردن یارانه‌ها، این انتظار وجود دارد که موفقیت بنگاه‌های اقتصادی بر مبنای رقابت و نه رانت و انحصار شکل بگیرد و مصرف‌کنندگان هم حق انتخاب بیشتری در بازار رقابتی داشته باشند و از این منظر، کیفیت کالاها و خدمات در بازار آینده حرف اول را خواهد زد و طبیعی است که جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی دولت بر مبنای حمایت از مصرف‌کننده شکل خواهد گرفت. به یقین در صورتی که فعالان اقتصادی بتوانند کالا و خدمات خود را با کیفیت بهتر به بازار عرضه کنند، سهم قابل توجهی از نیاز مصرف‌کننده و البته سود و بازده اقتصادی را کسب خواهند کرد. به دلیل اتکای اصلی سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها به بازتوزیع یارانه نقدی به مردم، طبیعی است که حق انتخاب و مدیریت نقدینگی بر عهده مصرف‌کننده خواهد بود و تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالا و خدماتی که بتوانند دو اصل مهم کیفیت و قیمت را در تولید و عرضه کالا رعایت کنند، به یقین، بخشی از بازتوزیع نقدینگی در عرصه مصرف را به خود اختصاص خواهند داد.

با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، دوران تازهای در اقتصاد ایران رقم می‌خورد؛ دورانی که از آن به عنوان وداع با یارانه‌ها در تاریخ یاد خواهد شد و به نظر می‌رسد ضرورت دارد فعالان اقتصادی چند نکته مهم را در برنامه‌ریزی آینده خویش جدی بگیرند، از جمله:

۱. مدیریت بهینه منابع مالی و مادی
 ۲. جدی گرفتن مدیریت مصرف انرژی
 ۳. ارتقای سطح کیفی کالاها و خدمات
 ۴. آموزش نیروی انسانی با مؤلفه‌هایی چون بهره‌وری و مدیریت مصرف و تقاضا
 ۵. به کارگیری تکنولوژی‌های نوین و بهای دادن به نیروی انسانی خلاق و آینده‌نگر
 ۶. جدی گرفتن نیازهای بازار مصرف و رصد کردن رفتار اقتصادی مصرف‌کنندگان و دیگر رقبا
 ۷. بهره گرفتن از روش‌های نوین بازاریابی متناسب با تغییرات بازار
 ۸. شکار هزینه‌ها و بازشناسی روش‌های کاهش قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات
 ۹. آگاهی دقیق از تازه‌ترین قوانین و مقررات در حوزه‌های تخصصی
 ۱۰. برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر رویکرد برنامه‌های معطوف به رقابت در بازار.
- ناگفته پیداست که هر بنگاه اقتصادی می‌تواند و باید متناسب با حوزه فعالیت و نیازهای کنونی و آتی بازار، نسبت اولویت‌ها و ضرورت‌های خود را رصد کند، اما آنچه اهمیت دوچندان دارد، درک واقع‌بینانه از تحولات بازارهای داخلی و خارجی و همچنین نوسانات بازارهای گروه‌های کالایی و خدماتی پس از آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی و متغیرهای آشکار و نهان است، زیرا غفلت از چالش‌ها و نوسان‌های بازار می‌تواند به متابه راهی برای خروج پرهزینه از بازار تلقی شود.

نه رویا، نه کابوس؛ واقعیت جذاب‌تر است

آسیب بزرگی که ارزیابی‌های موجود از وضعیت کنونی و آینده اقتصاد ایران در پی دارد، این است که عمده این ارزیابی‌ها و قضاوت‌ها، متأسفانه، خواسته و ناخواسته، آمیخته با افراط و تفریط است؛ تا آنجا که برخی همه مسائل را سفید و امیدوارکننده

و بدون چالش می‌بینند و برخی دیگر همه مسائل را سیاه و ناامیدکننده و پر از دست‌انداز. به یقین مدیران و تصمیم‌سازان در هر بنگاه اقتصادی، چه دولتی و چه خصوصی، چه اینکه فعالیت‌اش معطوف به بازارهای داخلی و منطقه‌ای باشد و چه فراسوی مرزها تجارت و تولید داشته باشد، نباید در فضایی از رویا یا کابوس تنفس کنند. تجربه نشان داده است مدیران موفق، واقعیت را جذاب‌تر می‌بینند و بر اساس واقعیت‌ها، اهداف خویش را ترسیم می‌کنند و نسبت به برنامه‌ریزی‌های آینده اقدام می‌کنند. از این منظر، مجموعه تحولات آینده اقتصادی ایران با رویکرد قانون هدفمندی یارانه‌ها، قانون برنامه پنجم توسعه و سایر دگرگونی‌های اجتناب‌ناپذیر در فضای اقتصادی کشور را هم می‌توان تهدید قلمداد کرد و هم فرصت؛ هم می‌توان رویایی نگاه کرد و هم کابوس‌وار.

اما واقعیت این است که مدیران موفق می‌کوشند تهدیدها را به فرصت بدل کنند و با حرکت در مرزهای واقعی، راهبردی توأم با کامیابی برای زیرمجموعه خویش طراحی کنند و به اجرا گذارند و البته مهم این است که پشتوانه مدیران موفق، همکاران خلاق و آینده‌نگر در تمامی سطوح است. برخی را هر گونه تغییر و اصلاح، گمان بر تهدید است و البته این نوع مدیران، تلاش در حفظ وضع موجود دارند و از آینده واهمه. اما چاره این نیست، چرا که اقتصاد ایران نیازمند ریل‌گذاری جدید است و شایسته است مدیران و کارآفرینان در هر سطح و حوزه فعالیت، مدیریت تغییر را مهم بدانند و در ریل‌گذاری جدید نظام اقتصادی ایران مشارکت داشته باشند.

رویکرد حمایت توأم با عقلانیت

درنگ دقیق و منصفانه بر رویکرد ماهنامه بازار بین‌الملل به مسائل اقتصادی ایران بخوبی آشکار می‌کند که جهت‌گیری اصلی و بنیادین محتوای مطالب مبتنی بر رویکردی حمایتی از اصلاحات ساختاری در اقتصاد توأم با نقد منصفانه و در نظر گرفتن عقلانیت اقتصادی و پایبندی به اصول و منافع ملی و مصالح عمومی است. باور داریم قطار اقتصادی ایران برای حرکت پرشتاب و مستمر و مطمئن نیاز به ریل جدید، سوخت جدید و مشارکت همگان در تعیین مسیر آینده دارد و بی‌تردید بی‌تفاوتی مسافران و تصمیم‌گیری مدیران آن در فضای بسته راهگشا نخواهد بود. از این منظر، همواره در جست‌وجوی پرسش بودن و طرح سئوال‌های شفاف با هدف یافتن پاسخ‌های شفاف یک اصل محسوب می‌شود و بر این باوریم که مسیر توسعه هر کشور، هر گروه اقتصادی در سطح خرد و کلان در این مسئله نهفته است که پرسش‌های کنونی را چگونه باید پاسخ گفت و پرسش‌های آینده از چه جنس خواهد بود؟ آیا وقت آن نرسیده که به جای دل بستن به شرایط کنونی و افسوس خوردن بر گذشته، آینده‌نگر باشیم و به جای یاد کردن از روزهای اقتصاد رانتهی و ناکارا و دلبستگی به دوران اقتصاد یارانه‌ای و دولتی به اقتصاد رقابتی و متکی بر مدیریت‌های ریسک‌پذیر و همکاران خلاق و کارآفرین بیندیشیم؟ بی‌گمان باید قبول کرد که زمان وداع با یارانه‌هاست و سلام بر فصل تازه‌ای از اقتصاد؛ فصلی که شاید در نگاه اول پاییز و زمستان به نظر آید اما حتما بهاری دل‌انگیز و تابستانی پرثمر در پی خواهد داشت.

مدیر مسئول